خراسان روزنامه صبح ایران
یک شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۵ . ۷ جمادی الاول ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۶۶

تلاش های برخی استقلال خواهان برای رهایی ایران از وابستگی در دوره قاجار و پهلوی

پس از ترکمنچای قراردادهای آخال، پاریس، ۱۹۰۷ رویتر، دارسی و همچنین کودتاهایی چون ۲۸ مرداد بر این مردمان تحمیل می شود. اگر چه امیر کبیر، میرزای شیرازی، شهید مدرس، آیت ا... کاشانی و مصدق مقاومت هایی را برای حفظ ولو موقت استقلال سیاسی کشور می نمایند اما گویا زور استعمارگران و مرعوبان داخلی بر آنان می چربد و انزوا، زندان، تبعید و قتل سرانجام بسیاری از آنهاست.

شاه در حال احترام نظامی به چرچیل در کنفرانس تهران ۱۹۴۳

مصداق های عینی دخالت بیگانگان در ساختار سیاسی ایران عصر پهلوی

کودتا، تعیین نخست وزیران و جدایی بخشی از خاک ایران

کودتای ۲۸ مرداد عملا یکی از جلوه های عینی و تمام نمای وابستگی محمدرضا پهلوی به بیگانگان است. نقش آمریکا و انگلیس در این کودتا و براندازی دولت مصدق و روی کار آوردن دوباره شاه براساس اسناد منتشر شده وزارت خارجه انگلیس و آمریکا مشهود است. طبق گفته فردوست «عملیات سقوط مصدق که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با موفقیت اجرا شد، با برنامه ریزی مشترک انگلیس و آمریکا عملی شد.» به اعتقاد فردوست در این کودتا نقش اصلی را انگلیسی ها داشتند و موفق شدند موافقت آمریکا را با سقوط مصدق جلب کنند و در همین زمینه «کرمیت روزولت» (یکی از مقامات سیا) برای حسن اجرای کودتا وارد تهران شد. در این کودتا عوامل انگلیسی داخل، مجری طرح انگلیسی-آمریکایی بودند. سپهبد فضل ا... زاهدی فرمانده کودتا و از عوامل انگلیس بود. سرلشکر حسن اخوی (طراح کودتا) نیز انگلیسی بود و برادران رشیدیان هم سابقه طولانی اطلاعاتی به نفع انگلیس داشتند. (فردوست، ۱۳۸۶: ۱۷۶) روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: پس از کودتا، شاه گیلاس خود را با تعارف به روزولت، رئیس بخش سیا در خاور میانه برداشت و گفت: من تاج و تخت خود را به خدا، مردم کشورم، ارتشم و به شما مدیونم. (گازیوروسکی، کتاب سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۲۸). این مسئله به طور واضح به لحاظ سیاسی شاه را در سیاست گذاری های خود نیز وابسته به بیگانگان می کرد حتی مهره هایی چون هویدا، آموزگار، شریف امامی و ازهاری که در دربار و دستگاه حاکمیتی پهلوی حضور داشتند نیز وابستگی شدیدی به لژهای فراماسونری و حتی دستگاه های امنیتی غربی همچون سیا داشتند (سیروس پرهام، کتاب انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۵۷، ص ۲۶/)

بر همین مبنا در بسیاری از تصمیمات مهم کشور، ردپای کشورهای خارجی را مشاهده می کنیم از جمله روی کار آمدن علی امینی نخست وزیر مورد حمایت واشنگتن که حتی به صورت تحمیلی به شاه قبولانده شد و برنامه اصلاحات ارضی نیز ابتدا با نسخه واشنگتن و علی امینی با رویکرد مقابله با توسعه اندیشه های کمونیستی در جوامع فقیر و دهقان روستایی ایرانی با دادن زمین به آن ها و مالک کردن آن ها به شیوه ای بسیار بد و غیر علمی پیچیده شد و شاه سپس برای عقب نماندن از قافله خودش اجرای این طرح را به دست گرفت و نام انقلاب سفید را بر آن نهاد. رهبر معظم انقلاب در این باره اشارات جالبی در نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ دارند: «... قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمدرضا، چه دستگاه های گوناگون، مطیع آمریکا بودند؛ منتظر اشاره آمریکا بودند. باز شواهد فراوان است. آدمی پا می شود از اینجا می رود آمریکا - دکتر امینی - برای این که آمریکایی ها را قانع کند که بشود نخست وزیر در ایران. آمد، شد نخست وزیر! بعد از یکی دو سال، شاه که با او مخالف بود، بلند شد رفت آمریکا، آمریکایی ها را قانع کرد که او را از نخست وزیری عزل کند. آمد او را از نخست وزیری عزل کرد! این، وضع مملکت ما بود. برای انتخاب نخست وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت آمریکا بود!

در بسیاری از مسائل، شاه سفیر آمریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت می کرد تا تصمیمی را که می خواهد بگیرد، با آن ها در میان بگذارد! اگر آن ها مخالف بودند، تصمیم عملی نمی شد. وابستگی سیاسی یعنی این. مطیع آمریکا بودند؛ قبل از دوره آمریکا هم مطیع انگلیس. رضاخان را انگلیسی ها خودشان آوردند سر کار؛ وقتی دیدند دیگر به دردشان نمی خورد، خودشان از حکومت عزلش کردند، از کشور بیرونش کردند، پسرش را آوردند سر کار. این قبل از انقلاب بود. انقلاب آمد و استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. یعنی امروز در این دنیای بزرگ، در میان این قدرت های بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، اراده او بر اراده مسئولین کشور یا ملت ایران اندک تأثیری دارد. این نکته به خصوص - یعنی ایستادگی، استقلال، عزت سیاسی - بیشترین جذابیت را برای ملت ها دارد. این که می بینید ملت ها نسبت به ملت بزرگ ایران احساس احترام می کنند، بخش عمده اش مربوط به این قسمت است: استقلال سیاسی.»

■ **سند ساواک درباره نقش سفارت آمریکا در تعیین نخست وزیر ایران**

یکی دیگر از اسناد ساواک که قابل بزک شدن نمی باشد درباره تعیین عالی ترین مقام کشور پس از شاه در عصر پهلوی توسط آمریکاست. رژیم پهلوی در اوج دوران خویش نیز در اوج وابستگی به غرب بود و بدون اجازه آنان حتی قادر به تعیین نخست وزیر کشور هم نبود. در این سند آورده شده است:

«سناتور سید جلال الدین تهرانی به یکی از دوستانش که روز جمعه گذشته (۴۲/۱۱/۱۱) به ملاقاتش رفته بود اظهار داشته دخالت خارجی ها چقدر در امور کشور علنی شده. وزیر مختار سفارت آمریکا که از مستاجرین حسنعلی منصور دبیر کل حزب ایران نوین است و با او سروسری دارد علنا گفته است که من منصور را به نخست وزیری خواهم رساند همان طور که دکتر علی امینی را نخست وزیر کردم.» در نمونه ای دیگر «اشرف پهلوی» هم در کتاب خاطراتش، از زاویه دیگری مهره چینی آمریکایی ها در ایران را باز گو کرده است؛ مثلا درباره انتخاب جعفر شریف امامی می نویسد: در ۵ شهریور، در نتیجه «فشار آمریکا»، برادرم، جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا و مدیر عامل بنیاد پهلوی را به نخست وزیری برگزید. من از این انتصاب در کنفرانسی در برزیل آگاه شدم و از انتخابی که شده بود بی نهایت متعجب گردیدم.

■ **کاپیتولاسیون در ازای وعده کمک نظامی**

در تیرماه ۱۳۴۳ محمدرضا پهلوی به آمریکا رفت و مورد استقبال گرم مقامات آمریکایی قرار گرفت. در مسائلی که مورد بحث و تبادل نظر طرفین قرار گرفت اعطای کمک های نظامی آمریکا، منوط به وضع مقررات قضایی و مصونیت نظامیان آمریکا (کاپیتولاسیون) شد و پس از بازگشت وی به ایران این قانون در مجلس سنای ایران به تصویب رسید.

■ **بخشش بحرین و جدایی تکه ای از خاک ایران**

بخشش کریمانه بحرین از دیگر افتضاحات سیاسی عصر وابستگی بود و تا ابد این ننگ بر پیشانی آنان باقی خواهد ماند.

در یکی از اسناد به جامانده از رژیم پهلوی در این باره آمده است: روز ۲۴ / ۲ / ۴۹ اللهیار صالح یکی از سران مؤثر جبهه به اصطلاح ملی سابق در یک مذاکره خصوصی در مورد مسئله بحرین بحث و اظهار کرده: «کار استقلال بحرین دو سال قبل تمام شده بود حتی پرچم آن را هم در سازمان ملل گذارده بودند. شاهنشاه آریامهر به محض اطلاع از این مطلب شخصاً به آمریکا تشریف فرما شدند و خواستند که فعلاً سر و صدای آن را بخوابانند و در سرویس اخبار نگذارند تا کم کم زمینه افکار عمومی در ایران آماده شود. این بود که در نطقی، راه را برای رجوع به آرای عمومی باز نمودند و باز فاصله ای رعایت شد تا به این ترتیب از آب درآمد. من می دانم هیچ وقت ممکن نبود بحرین جزو ایران شود ولی یک طلبکاری ملت ایران از دولت های بزرگ غرب بود که اقلاً شفاها این مطالبه برای ما مفید بود. یکی از سناتورهای آمریکایی در این مورد گفته است: شاهنشاه ژست کریمانه ای در خصوص بحرین نشان داده اند همان طوری که پدر ایشان در موقع مسافرت به ترکیه همین ژست را در واگذاری مرتفعات آرارات به دولت ترکیه نشان دادند. (مصطفی ظاهری: «بزک نشدنی» سلسله گزارش هایی از فساد پهلوی ها)

در روایت تاریخی دیگری در این باره چنین آمده است: «مذاکرات آشکار و پنهان میان ایران، انگلستان، عربستان سعودی و آمریکا انجام می گرفت. یکی از مواضع موجود بر سر حل مسئله بحرین - جدا از سیاست های استعماری انگلستان - حمایت عربستان سعودی (به عنوان کشور عرب با نفوذ منطقه) از خواسته ها و آمال شیخ بحرین و نیز مرز آب های سرزمینی و فلات قاره دو کشور بود. تضاد منافع دو کشور چنان بود که شاه برنامه دیدار رسمی اش از عربستان سعودی را در اوایل سال ۱۹۶۸ .م (۱۳۴۷ .ش) به تعویق انداخته بود. بالاخره با مذاکرات طرفین اولین قدم قابل توجه در حل اختلافات دیرین دو کشور بر سر مرز فلات قاره و مالکیت جزایر فارسی و عربی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۶۸ با امضای یک موافقت نامه برداشته شد. مذاکرات و توافق های پنهانی بین ایران و انگلستان و آمریکا و نیز امضای توافق نامه فوق باعث شد ایران در مورد مسئله بحرین کوتاه بیاید و تا اندازه ای عقب نشینی سیاسی کند. (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، نشر البرز، چاپ سوم ۱۳۷۵، ص ۳۶۳.) شاه سپس در دیدار رسمی خود از هندوستان، در یک مصاحبه مطبوعاتی در «دهلی نو» در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۹ اعلام کرد که «اگر مردم بحرین خواهان پیوستن به کشورم [ایران] نباشند ایران از ادعاهای سرزمینی اش نسبت به این جزیره خلیج فارس دست خواهد کشید.»

حدود نه ماه پس از مصاحبه دهلی نو، شاه در زمستان سال ۱۳۴۸ (اوایل ۱۹۷۰) مجددا در مصاحبه ای خواستار حل مسئله بحرین از طریق کسب نظر مردم بحرین به طور رسمی به وسیله سازمان ملل متحد شد. انگلستان در تاریخ ۲۰ مارس موافقت رسمی خود را با انجام پیشنهاد دولت ایران به اوتانت دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد. نماینده ویژه دبیر کل در امور بحرین، در رأس یک هیئت پنج نفری عازم آن جزیره شد و از ۲۹ مارس تا ۱۸ آوریل ۱۹۷۰ به نظر خواهی گزینشی و گفت وگو با گروه های منتخب سیاسی - اجتماعی بحرین پرداخت. ذکر این نکته ضروری است که برخلاف ادعای برخی منابع خارجی مبنی بر مراجعه به آرای عمومی از طریق (رفراندوم) یا انتخابات عمومی، این امر صحت ندارد، بلکه به همان روش محدود گزینشی یاد شده انجام گرفت. اعلامیه استقلال بحرین در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ منتشر شد. دولت ایران تنها یک ساعت پس از استقلال بحرین آن را به رسمیت شناخت...

واکاوی استقلال ایران به عنوان اصلی ترین شعار انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، پایانی بر استثمار سیاسی ایران معاصر

محمد مهدی اسماعیلی
استادیار گروه علوم سیاسی
دانشگاه تهران

نقطه آغازین تاریخ معاصر ایران، اغلب محل تردید و ابهام است. عده ای چون «جان فوران»، صفویه را سرآغاز دوره جدید می دانند، (فوران، ۱۳۷۷: ۱۳) و بسیاری هم مشروطه را واجد چنین عنوانی قلمداد می کنند. در این میان جنگ های ایران و روس را نیز به این موارد اضافه می کنند و جمله معروف «عباس میرزا» (۱) خطاب به «ژوبر» سفیر فرانسه و ناپلئون را مبداء شروع تاریخ سیاسی و فکری ایران جدید می دانند: «نمی دانم این قدرتی که شما اروپایی ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و به کار بردن قوای عقلیه متبحرید و حال آن که ما در جهل و شغب غوطه ور و به ندرت آتیه را در نظر می گیریم. مگر جمعیت و حاصل خیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می تابد، تاثیرات مفیدش در سر ما کمتر از سر شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است خواسته شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی کنم، اجنبی حرف بزن! بگو من چگونه باید ایرانیان را هوشیار کنم؟ (حائری، ۱۳۶۷:۳۰۸)»

■ **وابستگی ایران با وجود مصلحان نامدار**

بررسی دقیق، گزینه سوم را با وضعیت جامعه ما سازگارتر نشان می دهد. زیرا هنوز با گذشت نزدیک به دو قرن از این پرسش؛ غرب و مدرنیته مسئله اول جامعه به شمار می رود. قدم بعد از این سوال، قرارداد ترکمنچای و واگذاری استقلال سیاسی ما به دولت روسیه است. (۲) گویی با وجود تلاش های مصلحانی چون عباس میرزا، قائم مقام فراهانی، امیر کبیر، شهید مدرس، آیت ا... کاشانی و مصدق، گلیم بخت دولت و ملت ایران در موضوع سیاست خارجی سیاه بافته شده و استقلال سیاسی و به تبع آن دیگر حوزه ها وابسته به بیگانه می شود. ترکمنچای مهره اول دومینوی سیاسی ایران بود که به دنبال مهره های بعدی سقوط می کند و قراردادهای آخال، پاریس، ۱۹۰۷ رویتر، دارسی و همچنین کودتاهایی چون سقوط قاجار و ۲۸ مرداد بر این مردمان تحمیل می شود. اگر چه امیر کبیر، میرزای شیرازی، شهید مدرس، آیت ا... کاشانی و مصدق مقاومت هایی را برای حفظ ولو موقت استقلال سیاسی کشور می نمایند اما گویا زور استعمارگران و مرعوبان داخلی بر آنان می چربد و انزوا، زندان، تبعید و قتل سرانجام بسیاری از آنهاست. از سال ۱۸۲۸ میلادی تا سال ۱۹۷۹، ۱۵۰ سال طول کشیده و ملت ایران دوره پر محتنی را در آرزوی استقلال سیاسی به سر برده است. بررسی الگوهای حاکم بر سیاست خارجی ایران در این مقطع طولانی نشان می دهد همیشه در روی یک پاشنه چرخیده و آن توجه به بیگانه برای ارتقای وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور بوده است. بهترین مقاطع این را برای حفظ ولو موقت استقلال سیاسی کشور می نمایند اما گویا زور استعمارگران و مرعوبان داخلی بر آنان می چربد و انزوا، زندان، تبعید و قتل سرانجام بسیاری از آنهاست. اگر چه امیر کبیر، میرزای شیرازی، شهید مدرس، آیت ا... کاشانی و مصدق مقاومت هایی را برای حفظ ولو موقت استقلال سیاسی کشور می نمایند اما گویا زور استعمارگران و مرعوبان داخلی بر آنان می چربد و انزوا، زندان، تبعید و قتل سرانجام بسیاری از آنهاست. ۱۵۰ سال اجرای الگوی موازنه منفی بوده که در آن هم بالاخره توجه به قدرت سوم مد نظر بوده است. عباس میرزا در همان جنگ ایران و روسیه به فرانسه روی آورد و در حالی که امید به تجهیز سپاهیان با آموزش و ادوات فرانسویان داشت، به ناگاه دو دشمن دیرینه آشتی کردند و ایران تنها و رها شد. انعقاد عهدنامه «تیلیست» میان فرانسه و روسیه به خوبی ثابت کرد که به رغم تظاهر ناپلئون به حمایت از ایران، جهت گیری این کشور نسبت به ایران تنها در پی تحصیل منافع استعماری اش است.

■ **درایت امیر کبیر در قرارداد با آمریکا**

امیر کبیر، آمریکا را به عنوان قدرتی نوظهور نگاه و تلاش می کرد به نوعی در مقابل روس و بریتانیا به تدریج و در یک فضای مدیریت شده، پای آن را به فضای سیاست خارجی ایران باز کند. در ۱۸۵۱ م عهدنامه دوستی بین ایران و آمریکا امضا شد که در آن اجازه کشتیرانی و بارگیری در بنادر برای دوطرف بلامانع اعلام شده بود و نشان دهنده درایت امیر کبیر در جلوگیری از تسلط انگلیس بر خلیج فارس و تنگه هرمز است که البته استبداد ناصری فرصتی را برای تجربه این رویکرد در اختیار امیر قرار نداد.

■ **دکتر مصدق؛ نجات نفت ایران از دام استعماری انگلیس، اعتماد بیجا به آمریکا**

همین نگاه را دکتر مصدق در دوران نخست وزیری که بسان دوره امیر کبیر مستعجل بود، پیگیری کرد. نجات از دام استعماری شرکت نفت انگلیس و زیاده خواهی های شوروی، آمریکا را در قالب تکیه گاه مطمئن نشان می داد. تاسیس سازمان اصل ۴ ترومن و کمک های برنامه ریزی شده آمریکا و دخالت مثبت در موضوع آذربایجان، به سرعت با اجرای کودتای ۲۸ مرداد و عملیات آواکس بنای سست اعتماد به بیگانه را به تصویر کشید. دکتر مصدق قصد داشت به کمک های اقتصادی آمریکا تکیه کند و همین موضوع موجب نوعی خوش بینی بدون مبنا به آمریکا شده بود. بنابراین، با خوش بینی به آمریکا، تصور می کرد که می تواند از بحران عبور کند اما به محض این که به درخواست های نفتی آمریکا جواب منفی داد، پروژه حذف او اجرا شد.

تقریر رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۹ بهمن ۱۳۹۱ از این ماجرا شنیدنی است: «یک روزی مصدق به آمریکایی ها اعتماد کرد، به آن ها تکیه کرد، آن ها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پُر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند.» (آیت ا... خامنه ای، ۱۳۹۵)

■ **مبارزه امام با سلطه خارجی همزمان با نفی استبداد پهلوی**

امام خمینی (ره) رهبر هوشمندی بود که از همه این تجارب به نحو موثری در جنبش اسلامی مردم ایران استفاده کرد. امام به طور همزمان و در کنار مبارزه با استبداد داخلی، با بدبینی کامل به قدرت های خارجی، ستون دوم نهضت را به مبارزه با همه قدرت های استعمارگر اختصاص داد. امام در سخنرانی چهارم آبان ۱۳۴۳ شاه را از تکیه به قدرت های خارجی و به تاراج دادن استقلال سیاسی کشور برحذر می دارد و تمامی قدرت های خارجی را تو امان مورد شماتت قرار می دهد: «آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر.» (امام خمینی، ۱۳۴۳)

■ **تبعید امام در پی مخالفت با وابستگی سیاسی پهلوی**

موضوع تبعید امام را حل نیز اساسا به این دلیل بود که ایشان در مقابله با طرح کاپیتولاسیون در صیانت از استقلال سیاسی کشور و پاسداری از پرستیژ و اعتبار جامعه ایرانی در برابر قدرت خارجی علیه رژیم شاه قیام کردند. کاپیتولاسیون که اعطای مصونیت قضایی به اتباع خارجی بود، داستان غمناکی در تاریخ معاصر ما دارد. برای اولین بار قرارداد ترکمنچای مصونیت قضایی را برای اتباع روسی ایجاد کرد. دو کارگر روسی رئیس مجلس ایران را در سال ۱۹۱۱ ترور کردند و به قتل رساندند و دولت ایران ذلیلانه قاتلان را در اختیار دولت روسیه قرارداد. دولت انگلیس هم به تبع روسیه و پس از جداشدن هرات از ایران در پیمان پاریس به سال ۱۸۵۶، مصونیت اتباع خود را به ایران تحمیل کرد. شهید مدرس که به نوعی از شخصیت های موثر در شکل گیری بینش سیاسی امام را حل بود، قهرمان مبارزه با کاپیتولاسیون روسی بود و امام با الهام از این مشی ضد استعماری شهید مدرس، با قدرت به میدان مبارزه با مصونیت قضایی اتباع آمریکایی وارد شد.

امام در گفتار شدیداللحن خود در مخالفت با طرح احیای کاپیتولاسیون در چهارم آبان ۱۳۴۳ با ذکر ماجرای اولتیماتوم روسیه به ایران و مقاومت شهید مدرس در برابر آن می فرمایند: «علما موظفند ملت را آگاه کنند، دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم. شما که وکیل ما نیستید. وکیل هم بودید اگر خیانت کردید به مملکت، خود به خود از وکالت بیرون می روید. خدایا این ها خیانت کردند به مملکت ما. خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد. اگر یک ملا تو این مجلس بود در دهن این ها می زد. نمی گذاشت این کار بشود، من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند این حرف را دارم، چرا آقا خاک تو سرتان نریختید؟ چرا پا نشدید یقه آن مردک را بگیرید؟ همین! من مخالفم [و] سر جای خود بنشینید و آن همه تملق بگویید؟ مخالفت این است؟ باید هیاهو کنید. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی را به مجلس بردند که در آن ما را ملحق کردند به پیمان وین که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندهای فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان... از هر جنایتی که در ایران بکنند، مصون هستند. ملت ایران را از سگ های آمریکا پست تر کردند. چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد از او مؤاخذه می کنند اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد مؤاخذه می کنند. چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، بزرگ ترین مقام را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد. آقا من اعلام خطر می کنم، ای ارتش ایران من اعلام خطر می کنم، ای سیاسیون ایران من اعلام خطر می کنم... وا... گناهکار است کسی که فریاد نکند. ای سران اسلام به داد اسلام برسید. ای علمای قم علمای نجف به داد اسلام برسید. ای علمای قم به داد اسلام برسید» (امام خمینی، ۱۳۴۳)

امام خمینی با این نگاه و رویکرد ضد استعماری با محوریت حفظ استقلال سیاسی، سیاست خارجی منحصر به فردی را بنیانگذاری کردند که با تمام دنیای استکباری نه تنها فاصله دارد بلکه اهتمام خود در حمایت از همه نهضت های آزادی بخش را تاکید و ابراز می کند. مطابق اصل ۱۵۲ قانون اساسی: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» در اصل ۱۵۴ نیز تصریح دارد: «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند»

■ **عدم تعهد و استقلال در سیاست خارجی**

جمهوری اسلامی ایران بر اساس این اصول، شعار «نه شرقی نه غربی» را راهبرد سیاست خارجی خود اعلام کرد. سیاست نه شرقی نه غربی به معنای عدم رابطه با کانون ها و قطب های قدرت بین المللی نیست بلکه به معنای عدم وابستگی به ابرقدرت ها یا قدرت های بزرگ در نظام بین الملل است که در ادبیات سیاسی امروز جهانی به عدم تعهد از آن تعبیر می گردد. عدم تعهد به معنای قطع رابطه با کشورها و بازیگران بین المللی نیست؛ شالوده عدم تعهد، عدم وابستگی و حفظ استقلال است.

امروز هر صاحب نظر منصفی صفت استقلال سیاسی را کاملا منطبق بر عملکرد سیاست خارجی ایران می داند؛ کشوری که روزی پادشاه آن برای تعیین نخست وزیر دلخواه مدت ها بر متقاعدسازی آمریکایی ها اصرار داشت: «در همین کشور ایران، محمّدرضا پهلوی خائن، برای این که کدام نخست وزیر سرِ کار بیاید؛ کدام رئیس شرکت نفت سرِ کار بیاید؛ کدام وزیر دفاع و یا کدام وزیر خارجه سرِ کار بیاید، دنبال سفرای آمریکا و انگلیس در تهران می فرستاد و به آن ها می گفت: می خواهم فلان کس را بیاورم. نظر شما چیست؟ اگر آن ها می گفتند «بیاور»، می آورد و اگر می گفتند «نیاور» نمی آورد! آمریکایی ها این را می خواهند. استکبار جهانی این را می خواهد (آیت ا... خامنه ای؛ ۱۳۷۳)

همان کشور ضعیف و ذلیل، امروز به قدرت اول منطقه ای تبدیل شده و با اتخاذ سیاست مبارزه با استکبار و حمایت از مظلومان به کابوس وحشتناک قدرت های استعمارگر مبدل شده است. اظهارات نخست وزیر بریتانیا که اخیرا در بحرین علیه ایران سخنرانی کرده بود، گویای این ترس است: «مقابله با اقدامات تهاجمی که ایران در راستای افزایش نفوذ خود از تهران تا مدیترانه صورت می دهد، جزو اولویت های بریتانیاست» (ترزامی، ۱۳۹۵)

انقلاب اسلامی و راهبردهای سیاست خارجی آن، به ۱۵۰ سال استثمار و وابستگی خاتمه داده و ایران را به الگویی بی بدیل از استقلال سیاسی تبدیل کرده است.

پی نوشت ها:

۱- فرزند فتحعلی شاه قاجار که در فاصله سال های ۱۷۹۷ تا ۱۸۳۳ میلادی ولیعهد ایران بود. وی همچنین والی آذربایجان بود. او قبل از مرگ پدرش درگذشت.

۲- فصل هفتم ترکمنچای: «چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانسته همان فرزند خود عباس میرزا را ولیعهد و وارث تخت فیروزی بخت خود تعیین نموده است، اعلیحضرت امپراتور کل ممالک روسیه برای این که از میل های دوستانه و تمنای صادقانه خود که در مزید استحکام این ولیعهدی دارد به اعلیحضرت پادشاهی شاهنشاه ممالک ایران برهانی واضح و شاهدی لایح بدهد، تعهد می کند که از این روز به بعد شخص وجود نواب مستطاب والا شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته؛ از تاریخ جلوس به تخت شاهی، پادشاه بالاستحقاق این مملکت می داند.»

ماجراهای شیرین و پندآموز در ستون حکایت هر روز در صفحه «همشهری سلام»

سخن بزرگان
زیباترین و به یادماندنی ترین سخنان مشاهیر در صفحه «همشهری سلام»

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی
به موجب این آگهی به آقای ۱- محمد شیدفر فرزند یحیی ۲- مرضیه شیدفر فرزند یحیی ۳- حبیبه بهزادیان فرزند غلامرضا ابلاغ می گردد که در وقت رسیدگی ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ ساعت ۹ صبح در این دادگاه حسب دادخواست اعسار بابک شهفر مبنی بر اعسار از پرداخت هزینه دادرسی حاضر شوید. ضمنا جهت دریافت ضمایم به دفتر دادگاه مراجعه نمایید. م الف ۵۰۹۰۸
مدیر دفتر شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی- علی عرب زوزنی
متصدی امور دفتری شعبه ۳۱۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد- رحیمه سبزی
قاسم آباد- بلوار اندیشه- اندیشه شش ممیز یک ۱/۶
۱/۹۵۳۱۲۲۶۹

شماره ابلاغ ۹۵۱۰۱۰۷۵۱۴۰۰۰۴۱۱۲ خواهان بهروز صاحبکاری دادخواستی به طرفیت خوانده محراب افتخاری به خواسته مطالبه وجه بابت حواله تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳۱۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد واقع در قاسم آباد- بلوار اندیشه- اندیشه شش ممیز یک ۱/۶ ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۷۵۱۴۰۰۰۹۱۰ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ ساعت ۹:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده/متهم و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمایم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. م الف ۵۳۶۶۶
متصدی امور دفتری شعبه ۳۱۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد- رحیمه سبزی
قاسم آباد- بلوار اندیشه- اندیشه شش ممیز یک ۱/۶
۱/۹۵۲۲۴۴۴۵

پیرو آگهی های قبلی به آقای عید محمد وحیدی و سکینه سنگ بری طرقی فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد درخواست حسن مورثی حسین آباد به خواسته مطالبه وجه چک به موجب حکم شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۰۳۳۰۱۱۸۸ در پرونده کلاسه ۹۵۰۸۰۳ به پرداخت تضامنی خواندگان به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ ۱۸۸۵۰۰ تومان بابت هزینه دادرسی و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید لغایت یوم الوصول محکوم شده اید مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است. م الف ۵۴۲۷۲
شعبه ۱۵۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره سه شهرستان مشهد
۱/۹۵۳۳۰۲۵۶

آگهی ابلاغ اجرائیه
خانم معصومه شکاری بافقی فرزند عزیز- اکرم اربابی محمدآباد فرزند محمد- معصومه حسینی فرخد محمد پیرو آگهی های منتشره قبلی در خصوص دعوی بانک مهر اقتصاد به طرفیت شما بدین وسیله ابلاغ می شود که پرونده کلاسه ۲/۹۴۰۵۹۰ منجر به صدور اجرائیه علیه شما مبنی بر محکوم علیهم محکوم اند به پرداخت مبلغ یانصد و هشتاد میلیون ریال و جه یک فقره چک به شماره ۳۳۰۷۶۴ عهده بانک ملی ایران شعبه صنعتی مشهد بابت اصل خواسته و مبلغ هفده میلیون و ششصد و سی هزار ریال هزینه دادرسی در حق محکوم له. ضمنا نیم عشر دولتی وصول خواهد شد گردیده است لذا مراتب فوق طبق مواد ۹ و ۱۱۸ و ۱۱۹ قانون اجرای احکام مدنی یک نوبت در روزنامه محلی درج می گردد این اجرائیه ده روز پس از انتشار به موقع اجرا گذارده خواهد شد پس از این برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به شما نخواهد شد مگر اینکه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجرا اعلام نمایید. م الف ۵۴۸۶۲
مدیر دفتر شعبه ۵۶ دادگاه عمومی- حقوقی مشهد- برهان علمی
۱/۹۵۳۳۰۲۵۹

خواهان/شاکی جواد سلاطین اسلامیه دادخواستی به طرفیت خوانده/متهم پویان امینیان و ایرج رحیمی و مهران امینیان به خواسته مطالبه وجه بابت ... تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳۰۱ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد واقع در قاسم آباد- بلوار اندیشه- اندیشه شش ممیز یک ۱/۶ ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۷۵۱۳۱۰۰۱۲۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۹۵/۱۲/۱۵ ساعت ۸:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده/متهم و درخواست خواهان/شاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده/متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمایم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. م الف ۵۱۱۵۹
متصدی امور دفتری شعبه ۳۰۱ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد- نیر رسول زاده
قاسم آباد- بلوار اندیشه- اندیشه شش ممیز یک ۱/۶
۱/۹۵۳۱۳۳۲۰

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی
خواهان معصومه عیدی و زهرا عیدی دادخواستی به طرفیت خوانده خدیجه سربری قوی و سیدمحمدرضا شرفی و بی بی مریم شرفی و بی بی فاطمه شرفی و بی بی مرضیه شرفی و سیده نجمه شرفی و طلعت سربری قوی به خواسته مطالبه خسارت دادرسی و اثبات